

## من فیزیک را حس می‌کردم اما.....\*

گفتگو با خانم مهدیه شمیرانی (فرزانگان تهران) و  
آقایان پویان قائمی محمدی (شهید اژه‌ای اصفهان)، کامیار رهنماد (شهید بهشتی زاهدان)،  
سه تن از اعضای تیم ملی دانش آموزی المپیاد فیزیک در سال ۱۳۷۹

○ اگر بخواهیم در یک مقایسه معمولی مدالها و رتبه کسب شده توسط تیم المپیاد فیزیک سال گذشته را با مدالها و نتیجه کسب شده در امسال بسنجیم، در نگاه اول نوع مدالها جلب توجه می‌کند. تیم دانش آموزی المپیاد فیزیک، پارسال در کشور ایتالیا موفق شد با کسب ۵ مدال طلا و با تفاوتهای اندک با کشور روسیه در حالی که روسیه تنها ۴ مدال طلا کسب کرده بود، در مقام دوم جهانی قرار گیرد ولی امسال با توجه به تمام تلاشی که انجام شد تیم ایران هیچ مدال طلایی را از آن خود نکرد. شما در المپیاد امسال با مشکل خاصی مواجه بودید؟

● قائمی محمدی: نه، ما هیچ مشکل خاصی نداشتیم، موضوع اینجاست که امسال، هم سطح امتحان با سال قبل تفاوت داشت و هم اینکه تیم چین، یک تیم بسیار قوی بود. در المپیاد جهانی نحوه مدال دادن به این صورت است که میانگین ۳ نفر اول جهان را در نظر می‌گیرند، بعد به اینصورت عمل می‌کنند تا ۹۰ درصد آن میانگین را هر کس کسب کند مدال طلا می‌دهند تا ۷۵ درصد آن را مدال نقره و ۶۰ یا ۶۵ درصد آنرا مدال برنز و ۵۰ درصد را دیپلم افتخار می‌دهند. حال اینها همه به سطح امتحان و میانگین نمره ۳ نفر اول بستگی دارد.

امسال ۳ نفر اول چین نمره بسیار بالایی کسب کردند و همین باعث شد که آن ۹۰ درصد بالا کشیده شود. به همین خاطر امسال از ۶۴ تیم شرکت کننده تنها ۱۵ نفر موفق شدند مدال طلا کسب کنند، و مدال نقره نیز به همین اندازه کاهش یافته بود یعنی امسال کلاً ۱۶ مدال نقره توسط شرکت کنندگان کسب شد. این در حالی است که در المپιάد پارسال ۲۷ مدال طلا به افراد برتر داده شد. از همین جا می توان تفاوت المپιάد پارسال را با المپιάد امسال مورد سنجش قرار داد. البته با توجه به تمام این موضوع ها ما فاصله چندانی با رقیبانمان نداشتیم. فقط فاصله ما با چین ۲۰ نمره در ۲۵۰ نمره بود. با تیم روسیه ۷ نمره در ۲۵۰ نمره و تیم هند تنها ۲ نمره در ۲۵۰ نمره از ما برتری داشت. ما با این اختلاف کم با رقیبانمان در جایگاه چهارم قرار گرفتیم. البته شرایط امتحان و این موضوع که دفعه اولی بود که در امتحان جهانی شرکت می کردیم و نداشت تجربه در این عرصه نیز مهم است.

○ فعالیت ها و مطالعات جدی خودتان را برای شرکت در المپιάد فیزیک از چه زمانی آغاز کردید؟  
● شمیرانی: من از دوره راهنمایی فیزیک می خواندم و از این درس خوشم می آمد. البته همه درسهایم خوب بود. از دبیرستان برای المپιάد شروع کردم و از سال سوم دبیرستان تقریباً همه وقتم به فیزیک اختصاص داشت.

● قائمی محمدی: من از ابتدا به فیزیک علاقه داشتم و همیشه فیزیک می خواندم. من تلاش خاصی برای المپιάد انجام ندادم. فیزیک می خواندم چون دوست داشتم و برایم زیبا و جالب بود. از دبیرستان تصمیم جدی گرفتم که زمانم را صرف مطالعه و تحقیق در این رشته کنم. المپιάد هم فرصتی بود تا خودم را بیازمایم و همچنین از اساتید خوب بهره ببرم.

● رهنمازاد: من تا سال سوم دبیرستان علامه حلی تحصیل کردم و بعد به خاطر اینکه پدرم در دانشگاه شهر زاهدان تدریس می کردند به آن شهر رفتم. زاهدان که بودیم من تمام زمانم را روی درس فیزیک متمرکز کرده بودم، چون همه درسها را بلد بودم و فقط فیزیک می خواندم این مدت آمادگی خوبی برای شرکت در المپιάد فیزیک پیدا کردم.

○ خانم شمیرانی شما در المپιάد کامپیوتر هم شرکت کردید و در مرحله اول آن قبول شدید. چطور شد که بین رشته فیزیک و کامپیوتر شما رشته فیزیک را انتخاب کردید، رشته کامپیوتر برای شما جالب نبود؟  
● به نظر من فیزیک جالب بود. من فیزیک را حس می کردم و برایم مأنوس تر از سایر رشته ها بود.

○ خانم شمیرانی با توجه به اینکه تا این حد به فیزیک علاقه داشته اید و با در نظر گرفتن این نکته که در این رشته تا به اینجایم کاملاً موفق بوده اید، پس چطور شد که برای ادامه تحصیل در این رشته منصرف شدید

و برای دانشگاه، رشته مهندسی برق را برگزیدد؟

● گمان نمی‌کنم که انتخاب رشته مهندسی برق برای ادامه تحصیل منافاتی با انتخاب رشته فیزیک داشته باشد، ضمن اینکه رشته مهندسی برق به فیزیک بسیار نزدیک است، من می‌خواستم از فیزیک دور نشوم، و به خاطر علاقه‌ام به فیزیک رشته مهندسی برق را انتخاب کردم، چون به فیزیک خیلی نزدیک است. در ضمن من قصد ندارم رشته فیزیک را رها کنم و انتخاب دوم من هم رشته فیزیک است و همزمان با رشته مهندسی برق فیزیک را هم ادامه می‌دهم. علاوه بر این من دوست داشتم آنچه که در فیزیک خوانده‌ام به صورت عملی هم آنرا تجربه کنم. رشته مهندسی برق این شرایط را برای من فراهم می‌کند. من دوست دارم علاوه بر مسایل و مطالب نظری به موضوعات و کارهای اجرایی هم بپردازم.

○ آقای رهنما را با توجه به کسب موقعیتهای خوب و موفقیت در المپیاد فیزیک، شما هم اکنون به رشته مهندسی برق روی آورده‌اید. آیا رشته فیزیک مشکلی دارد که برای انتخاب رشته و ادامه تحصیل در دانشگاه آنرا کنار گذاشتید و رشته مهندسی برق را برگزیدید؟ برتری رشته‌های مهندسی نسبت به رشته فیزیک و یا کلاً رشته‌های علوم پایه چیست؟

● اینکه من رشته مهندسی برق را انتخاب کردم دلیل بر این نیست که بگویم رشته فیزیک مشکلی دارد و یا اینکه مثلاً رشته‌های مهندسی از رشته‌های علوم پایه برتر هستند. هیچ مزیت و برتری در رشته‌های مهندسی نسبت به رشته‌های علوم پایه وجود ندارد. فقط این مزیت و برتری را علاقه انسان مشخص می‌کند. علاوه بر این من تازه به رشته برق روی نیاورده‌ام. از دبیرستان درباره این رشته تحقیق و فعالیت داشتم. طرح‌هایم را نیز در جشنواره ابن سینا و جشنواره خوارزمی ارائه داده‌ام و تا مرحله هم موفق بوده‌ام. حالا زمان نیست که بگویم در دبیرستان در ارتباط با رشته برق چه کارهایی انجام داده‌ام ولی در این باره هم تحقیق کرده‌ام و هم موفق بوده‌ام و با علاقه رشته مهندسی برق را انتخاب کرده‌ام. این بدان معنی نیست که من رشته فیزیک را دوست ندارم، برعکس، من رشته فیزیک را خیلی هم دوست دارم و به واسطه رشته فیزیک می‌توانم در رشته مهندسی برق بسیار زیاد موفق شوم. اکنون هم برای رشته دوم حتماً فیزیک را انتخاب خواهم کرد زیرا به من کمک می‌کند تا در رشته مهندسی برق موفقتر باشم. این دو رشته واقعاً به هم نزدیک است و هر یک به دیگری نیاز دارد. خصوصاً رشته مهندسی برق به فیزیک. ○ هر ساله شاهدیم داوطلبان کنکور که رتبه‌های خوب کسب می‌کنند و یادانش آموزان المپیادی که از کنکور معاف هستند و می‌توانند هر رشته‌ای را که خواستند برگزینند به طرف رشته مهندسی برق و یا رشته‌هایی دیگر که اسم و آوازه بلندی در میان دانش آموزان دارد جذب می‌شوند و می‌گویند انتخاب

رشته علوم پایه ریسک است. به نظر شما این کار صحیح است که انسان به خاطر جو موجود و به خاطر حرف دیگران انتخاب رشته کند و آیا در این صورت سرانجام با موفقیت روبرو خواهد شد؟

● شمیرانی: نه لزوماً اینطور نیست، اکثر دانش آموزان المپیادی به طرف رشته های خودشان یعنی همان ریاضی و یا فیزیک جذب می شوند. هرکس هر چه دلش بخواهد انتخاب می کند. اینطور نیست که توجه کنیم که چه رشته ای روی بورس است و آنرا انتخاب کنیم. من فکر نمی کنم دانش آموزی در سطح المپیاد به بورس و جو موجود نگاه کند و بر آن اساس انتخاب رشته کند. اما در کل این اشتباه است که انسان به علاقه خودش توجه نکند و به طرف رشته هایی که می گویند اسم و رسم دارد جذب شوند. چنین فردی گمان نمی کنم در آینده و در آن رشته بتواند موفق بشود.

رهنما را: مگر مبنای انتخاب بر بورس بودن و مهم بودن رشته ها است مبنای انتخاب رشته باید بر اساس علائق و استعداد های فردی صورت بگیرد. در ضمن من نمی دانم اینکه می گویند انتخاب فلان رشته یک ریسک است یعنی چه؟ اصلاً ریسک در اینجا چه معنایی دارد، ریسک برای چه؟ البته اینطور هم نیست که همه دانش آموزان المپیادی به طرف رشته های مهندسی بروند. خیلی از دانش آموزان المپیادی در همان رشته های علوم پایه ادامه تحصیل می دهند.

● قائمی محمدی: من اصلاً قبول ندارم که می گویند انتخاب رشته های علوم پایه مثلاً انتخاب رشته فیزیک یک ریسک است. اینها موضوعاتی است که عامه مردم بدون فکر و بدون اطلاع در موردش اظهار نظر می کنند. به نظر من قسمت عمده ای از این افکار و نظرها فقط و فقط القای جامعه و عامه است. کسانی هم که به خاطر حرف دیگران و نه به خاطر علاقه خودشان انتخاب رشته می کنند گمان نکنم که سرانجام بتوانند در آن رشته موفق باشند. در ضمن صحبت خانم شمیرانی را هم قبول ندارم که می گویند یک دانش آموز در سطح المپیاد به بورس بودن رشته ها یا به جو موجود توجه نمی کند. من می گویم یک المپیادی موجود خارق العاده ای نیست که به صرف المپیادی بودنش اشتباه نکند و به طرف جو موجود حرکت نکند. خیلی از دانش آموزان المپیادی هم ممکن است تحت تأثیر محیط انتخاب رشته کنند، نه بر اساس علاقه و استعدادشان. از این گذشته این موضوع را هم قبول ندارم که کسی بگوید مثلاً فیزیک را دوست دارم و رشته مهندسی برق را انتخاب می کنم چون به فیزیک نزدیک است.

● شمیرانی: نظر من این بود که یک دانش آموز المپیادی هر رشته ای را که بخواهد آزادانه می تواند انتخاب رشته کند. بعلاوه من خودم رشته برق را انتخاب کردم چون دوست دارم که بدانم آنچه در تئوری خواندم در عمل چگونه است و همزمان فیزیک هم می خوانم. من

می‌خواهم وسیع‌تر نگاه کنم، تجربه کنم. هیچ منافاتی هم نمی‌بینم که برق و فیزیک را با هم بخوانم. نمی‌خواهم خودم را محدود کنم.

○ خانم شمیرانی رتبه‌های برتر و خوب کنکور هم از چنین شرایطی بهره‌مند هستند. یعنی به دلیل رتبه‌خویشان می‌توانند هر رشته‌ای را که بخواهند برگزینند. فکر نمی‌کنید از این نظر نمی‌توان تمایزی بین دانش‌آموزان المپیادی و رتبه‌های برتر کنکور قایل شد؟

● خانم شمیرانی: بله، همینطور است. خب خیلی از همین افرادی که شما به آنها اشاره کردید، به خوبی انتخاب رشته می‌کنند، منظورم این است که با توجه به علاقه و استعدادشان انتخاب رشته می‌کنند نه بر اساس شرایط و جو حاکم.

○ آقای قائمی محمدی چطور شد که شما رشته فیزیک را برگزیدید، به تمام گفته‌های منفی که در ارتباط با رشته‌های علوم پایه وجود دارد توجه نکردید؟ در ارتباط با آینده مالی و شغل خود چگونه فکر می‌کنید؟

● قائمی محمدی: به نظر من مهم نیست که دیگران در مورد رشته فیزیک چگونه موضع‌گیری می‌کنند. من رشته فیزیک را دوست دارم و از مدت‌ها پیش تصمیم گرفته بودم که در این رشته ادامه تحصیل بدهم. این رشته را خوب می‌شناسم و دوست دارم به اهدافی که دارم برسم. حال چه اهمیتی دارد که دید عامه که تحت تأثیر یک سری موضوعات غیر منطقی شکل گرفته چیست. کسانی که در این رشته کار کرده‌اند و صاحب موقعیت و اسم و رسمی در این علم هستند برای من مهم است، نه دید عامه مردم. در مورد مسایل مالی این رشته هم فکر نمی‌کنم در موقعیت نامناسبی قرار بگیرم. من اگر هر رشته دیگری می‌رفتم، حتی اگر از نظر موقعیت مالی هم تضمین شده بود، که هیچ وقت چنین نیست، آنقدر راضی نبودم که در این رشته حتی با موقعیت مالی معمولی خوشنود خواهم بود. شاید در آینده موقعیت مالی یک مهندس را نداشته باشم، در عوض من از رشته و کارم لذت می‌برم و این برای من خیلی مهم است. در فیزیک یک فیزیکدان با سؤالهایی سروکار دارد که هنوز جواب داده نشده است و مسایلی از این قبیل که برای من جالب است.

● شمیرانی: در رشته مهندسی برق هم چنین سؤالاتی وجود دارد که هنوز پاسخ داده نشده است. این مختص به رشته فیزیک نیست.

● قائمی محمدی: دید مهندس با دید فیزیکدان فرق می‌کند مثل هم نیست. اصلاً در یک حوزه نیست. مهندسين به يك شیوه معمول رفتار می‌کنند. در فیزیک ما با سؤالاتی سروکار داریم که هیچ جوابی برایشان نیست. در مهندسی سؤالاتی را که جواب داده شده است، سعی

می‌کنیم به طرق مختلف به کار ببریم.

● شمیرانی: دید مهندس یک دید صرف و خاص نیست. شاید در حال حاضر بیشتر مهندسين به یک طریق خاص عمل کنند ولی این دلیل بر آن نیست که بگوییم مهندسی اینگونه است و همه سؤاله‌ایش جواب داده شده است.

● قائمی محمدی: ببینید به نظر من خیلی مهم است که داوطلبان کنکور و کسانی که برای دانشگاه می‌خواهند انتخاب رشته کنند اول به دنبال شناختن رشته‌ها و شناختن علایق خود بروند و بعد انتخاب رشته کنند. مثلاً نمی‌توان به دلیل آنکه فیزیک را دوست داریم و در آن موفق بوده‌ایم برویم رشته مهندسی انتخاب کنیم و بگوییم چون به فیزیک نزدیک است پس برای ما رشته خوبی است. مهندسی برق یک رشته است و فیزیک هم یک رشته. طبیعتاً این دو رشته با هم تفاوت داشته‌اند که برای هر کدام نامی جداگانه برگزیده‌اند. باید درست انتخاب رشته کرد تا در آینده بیهودگی به وجود نیاید و احساس کنیم این مدت در دانشگاه وقتمان هدر نرفته است. ○ خانم شمیرانی، آقای رهنما را، شما دو نفر با رشته مهندسی برق از کی آشنایی پیدا کردید و چگونه به آن علاقه‌مند شدید؟

● شمیرانی: من از دوران دبیرستان با رشته مهندسی برق آشنا شدم و در ارتباط با این رشته کارهای مختصری هم کردم یک طرح هم به جشنواره خوارزمی ارائه کردم که تا مرحله موفق بود.

● رهنما را: من از دبیرستان به رشته برق علاقه‌مند بودم کارهای زیادی در دبیرستان انجام دادم. ببینید اصولاً ساختن یک ماشین که عقب و جلو برود کار عجیبی نیست. چنین چیزی را از یک مغازه اسباب بازی فروشی هم می‌شود خرید نکته مهم این است که شما مداری داشته باشید که خودش بتواند مسیر خودش را اصلاح کند. من در این ارتباط یک سری کارها انجام دادم و این رشته را بسیار دوست دارم.

○ آقای رهنما را با توجه به اینکه شما سال سوم دبیرستان به شهر زاهدان منتقل شدید، از نظر تحصیلی در آن شهر با مشکلی مواجه نشدید؟ شرایط تحصیلی و مدرسه تیزهوشان در زاهدان چه تفاوتی با دبیرستان علامه حلی تهران داشت؟

● رهنما را: وقتی به زاهدان رفتم من در مدرسه شهید بهشتی زاهدان که تقریباً تازه هم تأسیس شده بود مشغول به تحصیل شدم. این مدرسه، مدرسه تیزهوشان زاهدان است. البته نه اینکه از نظر تحصیلی و شرایط و جو موجود تفاوتی با تهران نداشته باشد ولی به هر حال من سالهای اول دبیرستان را در مدرسه علامه حلی تهران تحصیل کرده بودم و از نظر درسی در حد

خوبی قرار داشتم. همانطور که گفتم آن مدت که مادر شهر زاهدان بودیم من همه زمانم را صرف خواندن فیزیک می‌کردم و همه جزوات و منابع مربوط را با خودم برده بودم. ○ به نظر شما محیط و شرایطی که انسان در آن تحصیل می‌کند تا چه اندازه می‌تواند در موفقیت انسان دخیل باشد؟

● شمیرانی: به نظر من محیط و شرایط حاکم بر آن خیلی اهمیت داد، مثلاً خود من اگر در مدرسه «فرزانگان» درس نمی‌خواندم شاید اکنون چنین موفقیت‌هایی را نداشتم. گرچه در مدرسه فرزنانگان هم که بودم خودم به دنبال درس و علم و تحقیق و کنکاش می‌رفتم، اگر در مدرسه دیگری هم بودم باز هم همین کار را می‌کردم ولی نمی‌توان نقش محیط را نادیده گرفت. وقتی یک محیط شرایط مناسبی را برای انسان فراهم آورد و به گونه‌ای باشد که انسان از درون آن محیط با خارج از آن بتواند ارتباط برقرار کند، و کسانی باشند که به انسان اطلاعات بدهند و انسان را راهنمایی کنند، خیلی مؤثر و مهم است اگر هم چنین محیطی وجود ندارد انسان باید سعی کند چنین محیطی برای خودش ایجاد کند.

● قائمی محمدی: بله من هم با گفته‌های خانم شمیرانی موافقم محیط نقش عمده‌ای می‌تواند ایفا کند، ولی نقش خود فرد را نباید نادیده گرفت. خود دانش آموز هم در ایجاد یک محیط خوب و کارآمد نقش عمده‌ای می‌تواند داشته باشد.

○ آقای قائمی امسال وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری اقدام به ایجاد دوره‌های دکترای پیوسته فیزیک نمود و تصمیم بر این است که در سایر رشته‌های علوم پایه نیز دانشجویان علاقه‌مند به صورت دکترای پیوسته جذب شوند. شما نیز امسال از این امکان بهره بردید و رشته دکترای پیوسته فیزیک را برگزیده‌اید. اگر چنین اقدامی عملی نشده بود و مجبور بودید برای دوره کارشناسی فیزیک انتخاب رشته کنید باز هم این رشته را انتخاب می‌کردید؟

● قائمی محمدی: بله، حتماً. همانطور که گفتم من از چند سال قبل تصمیم گرفته بودم که در این رشته تحصیل کنم اگر مثل گذشته، دانشگاهها برای دوره کارشناسی دانشجو می‌پذیرفتند من باز هم فیزیک را انتخاب می‌کردم. این رشته را صرف دکترای پیوسته بودنش انتخاب نکردم. ○ موفقیت در المپیاد دانش آموزی، خصوصاً کسب مدال در مرحله نهایی المپیاد دانش آموزی شرایط خاص و ویژه‌ای را برای یک دانش آموز ایجاد می‌کند، از جمله معافیت از کنکور، یا معافیت از سربازی برای دانش آموزان پسر، این چنین شرایط و موقعیتها به چه میزان مشوق شما برای شرکت در المپیاد بوده است؟

● شمیرانی: هدفی که برای المپیاد تعریف شده است، همان راه یافتن به مرحله نهایی المپیاد

است. اما هدف من به خاطر رفتن به المپیاد جهانی نبود. البته این هدفی است که در چارچوب المپیاد تعریف شده است. هدفی که من برای خودم تعیین کرده بودم این بود که المپیاد بهترین جایی بود که می‌توانستم فیزیک یاد بگیرم و واقعاً در این رقابت فشرده فیزیک را یاد گرفتم. هدف دیگرم نیز این بود که اثبات کنم، دخترها هم می‌توانند در این عرصه‌ها پا به پای پسران پیش بروند و موفق باشند. چون در جامعه ما دختران خیلی کم در این عرصه‌ها ظاهر می‌شوند و همین موضوع هم موجب شده است که می‌گویند دختران نمی‌توانند و توانایی رقابت ندارند. در دبیرستان هم که بودم افسوس می‌خوردم که عده‌ای از دخترها می‌گفتند که ما نمی‌توانیم در جریان المپیاد با پسران رقابت کنیم. من تلاش کردم که بگویم نه، ما می‌توانیم. اگر بخواهیم می‌توانیم. وقتی خودم را نزدیک به مرحله انتهایی المپیاد دیدم احساس کردم این وظیفه به عهده من است که آنرا ثابت کنم و بگویم که دختران هم می‌توانند تا هر کجا که بخواهند موفق شوند، فقط باید خودشان را باور کنند. به نظر خودم این هدف آنقدر بالا بود که به خاطرش هر زحمتی را متحمل شدم و سرانجام هم موفق شدم. امیدوارم دخترها خودشان را باور کنند و نگویند که نمی‌توانیم. ما می‌توانیم، من ثابت کردم.

● قائمی محمدی: هدف از فیزیک خواندن فقط این بود که آنرا دوست داشتم و دارم. به گونه‌ای با آن زندگی می‌کنم، تفریح می‌کنم. المپیاد هم فرصتی بود که به تبع آن بتوانم از کنکور و سربازی معاف شوم. برای من مهم بود که بتوانم از سربازی معاف شوم. این برای من یک احساس بسیار خوبی است که بدانم می‌توانم هر جایی که می‌خواهم بروم و شرایط این را دارم که مثلاً برای فلان مسابقه علمی بتوانم به راحتی از کشور خارج شوم. ببینید المپیاد نمی‌تواند هدف باشد، المپیاد مسیری است برای رسیدن به هدف. همه زمانی المپیادی‌ها را می‌بینند که از خارج برگشته‌اند و حلقه‌های گل به گردنشان انداخته‌اند، کسی آن شبهای سخت و پرفشار را نمی‌بیند که بر ما چه گذشته است. مثلاً شبی که معلوم شد ما مدال طلا گرفته‌ایم، با وجود اینکه ما موفق شده بودیم ولی برای دوستانمان خیلی ناراحت بودیم. کسی آن فشار و عذابی که روی آن چند نفر که از طلا جا ماندند و نقره نصیبشان شد که نمی‌بیند. خود من به شخصه از فیزیک خواندن لذت می‌بردم و این تنها دلیل فیزیک خواندن من بود.

● رهنمازاد: من هم همینطور بودم. یعنی از خواندن فیزیک لذت می‌بردم. المپیاد تنها شرایطی را ایجاد می‌کرد که اولاً بتوانم در آن رشد کنم و بیشتر فیزیک بیاموزم، ثانیاً شرایطی بود تا از کنکور و سربازی بتوانم خودم را معاف کنم.

○ به فرض اگر شرایط خاصی برای المپیاد دانش آموزی در نظر نمی‌گرفتند، شرایطی مثل معافیت از

کنکور و سربازی، آیا باز هم در المپیاد شرکت می‌کردید؟

● قائمی محمدی: البته اگر چنین شرایطی را در نظر نمی‌گرفتند مسلماً خود من از شرکت در المپیاد سرد می‌شدم و انگیزه کمتری داشتم ولی با این حال شرکت می‌کردم چون به هر حال موقعیت خوبی برای آموختن فیزیک است.

● رهنمازاد: بله من باز هم شرکت می‌کردم برایم تفاوتی نداشت.

● شمیرانی: اگر شرایط خاصی هم نبود باز هم شرکت می‌کردم. چون معافیت از کنکور که چندان چیز مهمی نبود، می‌توانستم کنکور بدهم و وارد دانشگاه شوم.

○ در طی مراحل المپیاد، مثلاً در مرحله گزینش ۷ نفر از ۴۰ نفر یا ورود به مرحله نهایی برای گرفتن مدال طلا، چقدر احتمال می‌دادید که شما نیز جزو پذیرفته‌شدگان مرحله بعدی باشید؟

● شمیرانی: احتمال قبولی من زیاد بود. البته به این فکر نمی‌کردم که آخرش چه می‌شود. در هر امتحان تلاشم را می‌کردم که نمره خوبی بگیرم. در مرحله گزینش ۷ نفر از میان ۴۰ نفر چون تعداد افراد زیاد بود و من نمی‌شناختمشان، چندان گمان نمی‌کردم که قبول شوم ولی بعداً که در بین ۷ نفر پذیرفته شدم، به علت آنکه هم طول دوره ما زیاد بود و هم تعداد کم بود و من همه را می‌شناختم احتمال قبولیم را زیاد پیش بینی کرده بودم.

● قائمی محمدی: من مطمئن بودم که موفق می‌شوم، خودم را می‌شناختم و می‌دانستم که توانایی قبول شدن در المپیاد را دارم و تا حدودی بقیه را هم می‌شناختم. البته در دوره ۴۰ نفر برایم راحت تر بود که درصد قبولیم را حتمی بدانم ولی در دوره انتخاب ۵ نفر از میان ۷ نفر خیلی مشکلتر بود که بدانم حتماً قبول می‌شوم و احتمالش کمتر از دوره قبل بود. ولی در کل به نظر خودم احتمالش زیاد بود که در میان ۵ نفر هم قرار داشته باشم.

● رهنمازاد: در دوره ۴۰ نفر که قرار بود ۷ نفر از آن میان برای مدال طلای کشوری انتخاب شوند این احساس را داشتم که پذیرفته می‌شوم. در دوره ۷ نفر و برای انتخاب تیم ۵ نفری اعزام به خارج از اول به خودم مطمئن بودم و می‌دانستم که قبول می‌شوم.

○ در جریان رقابت هیچ وقت این حالت یا احساس در شما بوجود نیامد که برای سایر رقبایان عدم موفقیت بخواهید یا در تنگنا قرار بگیرید و مثلاً دعا کنید که مانعی بر سر راه رقیب پیش آید و شما یک گام بیشتر به جلو بردارید. به هر حال در مراحل نهایی المپیاد رقابت بسیار تنگ و فشرده است.

● شمیرانی: نه، هرگز. این از جوانمردی به دور است که انسان دعا کند که رقیبش با مشکلی مواجه شود تا خودش یک قدم به جلو برود. در جریان رقابت هر چه بیشتر تلاش کنیم می‌توانیم موفقتر باشیم، نیازی به اینگونه دعاها نیست. البته در دوره ۷ نفری، ۵ نفر پسر و ۲ نفر دختر بودند.

من خیلی دوست داشتم که هر دوی ما در تیم باشیم که متأسفانه چنین نشد. اما دعا نمی‌کردم که برای کسی مشکلی پیش آید تا ما موفق بشویم، چنین احساسی نسبت به کسی نداشتم، من از رقابت خوشم می‌آید، چون رقابت باعث می‌شود که انسان رشد کند و برای من هم واقعاً همینطور بود.

● قائمی محمدی: البته من از رقابت خوشم نمی‌آید. اینطور فکر نمی‌کردم که فیزیک بخوانم تا از کسی جلو بزنم. من هم دلم می‌خواست یکی دیگر از دوستان که در گروه ۷ نفری بودند، جزو تیم ۵ نفره هم باشد. چون ایشان مشکل سربازی داشت و اگر جزو تیم می‌شد این مشکلش برطرف می‌شد. ولی هرگز چنین نبود که دعا کنم که دیگری دچار مشکل شود تا من قبول شوم. ● رهنمازاد: نه، هرگز لزومی ندارد که عدم موفقیت دیگری را آرزو کنم. تلاش خودم را افزایش می‌دهم تا موفق شوم. ولی به هر حال در مرحله نهایی فقط ۵ نفر برای تیم پذیرش می‌شوند، نه بیشتر و بالاجبار یک عده حذف می‌شوند.

○ خانم شمیرانی، در عرصه رقابت برای المپیاد دانش آموزی خانمها همیشه جایگاه محدودی را به خود اختصاص می‌دهند و کمتر در تیمهای المپیاد حضور می‌یابند. به نظر شما علت آن چیست، خود شما در جریان این المپیاد با چه مشکلاتی مواجه شدید؟

● شمیرانی: بله، معمولاً در جامعه ما دختران خیلی کم در این عرصه‌ها ظاهر می‌شوند، و همین موضوع باعث این شده است که این تفکر در جامعه بوجود آید که دختران در این عرصه‌ها ناتوانند و با پسران قدرت رقابت ندارند. البته خود دخترها هم در بوجود آوردن این تفکر خیلی مقصر هستند. آنها خودشان را باور ندارند و همانطور هم که قبلاً گفتم این موضوع را به وضوح اظهار می‌دارند که ما در جریان رقابت علمی با پسران در المپیاد نمی‌توانیم موفق شویم تنها و تنها باید انسان خودش را باور داشته باشد تا بتواند موفق شود. اما اینکه من یا کلاً دخترهای حاضر در المپیاد با چه مشکلاتی مواجه هستیم باید بگویم که در کل از ابتدای المپیاد تا انتهای آن دخترها در اقلیت هستند و همین اقلیت هم در فشار قرار دارند. چرا؟ به این دلیل که پسرها می‌گویند شما تلاش نکنید، تا ما بتوانیم راحتتر به مراحل نهایی راه پیدا کنیم، زیرا معافیت از سربازی برای ما مهم است. در اقلیت بودن خودش یک مشکل است. حال اینکه این فشار روی انسان باشد که دیگری برای معافیت از سربازی باید جلوتر از او باشد خود مشکلی مضاعف است. این مشکل برای همه دختران حاضر در المپیاد به چشم می‌خورد. اما من به خاطر به اثبات رساندن خودم و توانایی دختران، تلاش کردم که بگویم دخترها هم می‌توانند تا هر مرحله‌ای که بخواهند پا به پای پسرها جلو بروند و موفق باشند.

○ آقای قائمی، خانم شمیرانی، شما گفتید دوستانی در گروه ۷ نفری داشتید که بسیار دوست داشتید آنها هم جزو تیم ۵ نفره اعزامی به المپیاد جهانی باشند. حال سؤال من این است که دوست داشتید خودتان در تیم نباشید و آنها به جای شما به تیم راه یابند؟

● قائمی محمدی: خب مسلماً جواب منفی است. زیرا در وهله اول انسان برای خودش ارجحیت قایل است. ولی به هر حال همه ما فرصت این را داشتیم که تلاش کنیم و در جریان رقابت خود را بالاتر از دیگری قرار دهیم.

● خانم شمیرانی: نه. یک اصل وجود دارد که در وهله اول انسان خودش را برای کسب فلان موفقیت ارجحتر می داند. در جریان رقابتهای علمی از آنجا که ابتدا انسان برای موفقیت خودش تلاش می کند، من نیز نهایت تلاشم را کردم. در عین حال سد و مانعی هم برای دیگران ایجاد نکردم. آنها هم موقعیت راه یابی به تیم را داشتند ولی همانطور که دوستان گفتند تنها ۵ نفر باید برای تیم پذیرفته می شد.

● رهنما راد: به نظر من در جریان رقابت های علمی هر کس باید نهایت تلاش خودش را برای موفقیت نهایی به کار ببندد. آدم هر چقدر دیگری را دوست داشته باشد اما نهایت تلاش خودش را برای موفقیت به کار می برد. حال در این جریان انسان می خواهد که دوستش هم با او همراه باشد.

○ کمی هم در ارتباط با خانواده، و نقش و سهم آن در موفقیتتان بفرمایید.

● رهنما راد: بی شک نقش خانواده در ایجاد یک فضای آرام و بدون تنش بسیار مهم و حساس است و از این جهت سهم عمده ای را به خود اختصاص می دهد. من یک برادر و یک خواهر کوچک تر از خودم دارم. برادرم در سال اول راهنمایی تحصیل می کند و خواهرم تازه یک ساله است. پدرم، دکترای رشته زمین شناسی هستند و مادرم نیز در رشته شهرسازی تا مقطع لیسانس تحصیل کرده اند.

● قائمی محمدی: نقش خانواده ها در کسب یک یک موفقیت ها و موقعیت ها انکار ناپذیر است من از خانواده ام بسیار سپاسگزارم که همیشه همراه من بوده اند. من فقط یک برادر کوچک تر از خودم دارم که اکنون در دوره راهنمایی تحصیل می کند. مادرم لیسانس فیزیک و پدرم لیسانس زیست شناسی دارد.

● شمیرانی: خانواده من همیشه شرایط و موقعیت من را در نظر گرفته اند و آرامش و راحتی من را فراهم کرده اند. پدر و مادرم هر دو تحصیل کرده رشته مهندسی مکانیک هستند. برادر کوچکم اول دبیرستان و خواهرم نیز سوم دبستان است.

○ اگر قرار بود در آزمون کنکور شرکت کنید، فکر می‌کنید چه رتبه‌ای کسب می‌کردید؟

● رهنما: برای من کنکور دادن خیلی سخت تر از المپیاد بود. چون در المپیاد اولاً آنچه را که می‌خواندم دوست داشتم و اصلاً سختی معنایی نداشت. ثانیاً آنچه می‌خواندم بعداً به دردم می‌خورد. ولی اگر قرار بود کنکور بدهم طبعاً مجبور بودم از اول برنامه‌ریزی کنم و همه کتابها را بخوانم، به هر حال حدود یکسال باید سخت درس می‌خواندم. مسلماً آن رشته‌ای را که دوست داشتم قبول می‌شدم. نمی‌دانم چه رتبه‌ای کسب می‌کردم ولی حتماً رشته مورد علاقه‌ام را قبول می‌شدم.

● قائمی محمدی: شاید رتبه خوبی کسب می‌کردم اما مطمئناً رتبه یک تاده نمی‌شدم. چونکه این رتبه تلاش بسیار زیادی می‌خواهد و من چندان از آن درسهایی که باید برای کنکور بخوانم خوشم نمی‌آمد. البته من همیشه مطمئن بودم که آن رشته‌ای را که دوست دارم یعنی فیزیک، حتماً قبول می‌شوم و از این بابت نگرانی نداشتم.

● شمیرانی: اگر قرار بود در کنکور شرکت کنم باز هم تلاش می‌کردم. گرچه وقتی فیزیک می‌خواندم لذت می‌بردم و هیچ سختی و زحمتی در کار نبود ولی برای کنکور فکر می‌کنم باید زحمت می‌کشیدم تا در رشته مورد علاقه‌ام قبول شوم. واقعاً هیچ وقت به اندازه این یکسال که فقط فیزیک می‌خواندم به من خوش نگذشت. گرچه می‌توانستم برای کنکور هم بخوانم و قبول هم بشوم ولی آن وقت دیگر از خواندنم لذت نمی‌بردم.

○ ورزش، تفریح و موسیقی هم جایی در میان برنامه‌های درسی شما داشته‌اند یا نه، زمانی را صرف این کارها نمی‌کردید؟

● قائمی محمدی: کار اصلی و تفریح واقعی من فیزیک است. با فیزیک خواندن از زندگی لذت می‌برم. اما این دلیلی نیست بر آن که بگویم هیچ کار دیگری نمی‌کنم در ارتباط با موسیقی باید بگویم که موسیقی گوش می‌کنم و چند سالی هم هست که سنتور می‌زنم. گاهی سینما هم می‌روم. از ورزشهای شنا و بسکتبال نیز خوشم می‌آید. کتاب خواندن، خصوصاً خواندن زندگینامه‌ها هم جزیی از تفریحات من را تشکیل می‌دهد.

● رهنما: به ورزش فوتبال خیلی زیاد علاقه دارم. شنا هم می‌کنم. از دیدن طبیعت هم لذت می‌برم و به همین خاطر کوه هم می‌روم. گاهی پینگ پنگ هم بازی می‌کنم. در ضمن موسیقی هم خیلی دوست دارم و حتی هنگام درس خواندن هم موسیقی گوش می‌کنم. به خوشنویسی هم علاقه دارم و در این رشته کار کرده‌ام و در انجمن خوشنویسی جایگاه متوسطی را برای خودم کسب کرده‌ام.

● خانم شمیرانی: من به ورزشهای پینگ پنگ و بسکتبال علاقه دارم. کتابهای غیر درسی هم زیاد می‌خوانم. حتی زمانهایی بود که در شب امتحان مثلاً کتاب رمان می‌خواندم.  
○ شما چه تعریفی برای موفقیت دارید و هدف چیست؟ شما برای زندگیتان چه هدفی در نظر دارید؟

● رهنما داد: مردم برداشتها و تعاریف متفاوتی از موفقیت دارند. موفقیت چیزی به ذاته نیست که تعریف خارجی داشته باشد. وقتی انسان از خودش و زندگی‌اش راضی باشد موفق است. مهم این است که انسان از زندگی‌اش چه انتظاری دارد. من هم فعلاً قصد ادامه تحصیل دارم.

● شمیرانی: هدف چیزی است که انسان برای رشد خود آنرا تجسم می‌کند. ببینید به نظر من رسیدن به هدف به خودی خود مهم نیست آن مسیری را که انسان برای رسیدن به هدف انتخاب می‌کند و طی آن مسیر مهم است. طی کردن این مسیر برای رسیدن به آن هدف و تلاش در این مسیر زیباست و این خود معنای موفقیت است. موفقیت زمانی حاصل میشود که انسان زمانی که در آخر مسیر قرار می‌گیرد، اگر او را در اول مسیر قرار دهند باز هم همان مسیر را انتخاب کند و انسان در آخر مسیر نگوید ای کاش زمان تکرار می‌شد تا مسیری دیگر برگزینم. خودم دوست ندارم زندگیم را پیش بینی کنم. دوست دارم روال عادی زندگی طی شود. الان نمی‌توانم بگویم که در آینده که خواهم بود یا کجا و یا چه کاره خواهم بود. فعلاً باید تجربه کسب کنم. باید اطلاعاتم را افزایش دهم و واقعیتها را پیدا کنم و بعد تصمیم بگیرم که چه کنم.

● قائمی محمدی: به نظر من آدم موفق کسی است که از زندگیش راضی باشد. شما طبعاً گذشته را می‌دانید و دیدی هم از آینده دارید، این چیزی است که در مجموع زندگی شما را می‌سازد. کل این دید و زیبایی یا زشتیش تعریفی از موفقیت به شما ارایه می‌کند. اگر این دید زیبا باشد موفق و اگر چندان دلنشین نباشد یعنی عدم موفقیت. دید دیگران هم مهم نیست. مهم نیست که دیگران چه دیدی داشته باشند. من قصد دارم ادامه تحصیل بدهم و در رشته فیزیک موفق بشوم. به گمان خودم انتخاب عاقلانه‌ای کرده‌ام که فیزیک را برگزیدم. بیشتر زندگی من به فیزیک اختصاص خواهد داشت.

○ در انتها از شما بسیار سپاسگزارم که برای این گفتگو دعوت ما را پذیرفتید. با آرزوی موفقیت برای شما در همه مراحل زندگی. پیروز و مؤید باشید.